درمکتب امام

با اینها چه کنیم؟

امروز هم مسلمان‌ها مبتلای به دسته‌ای از منافقین هستند که کار این مسلمان‌ها با این منافقین مشکل‌تر است، تا کارشان با محمدرضا [پهلوی]. محمدرضا ایستاده بود و می‌زد و می کشت. و تکلیف ملت با او معلوم بود. ملت می‌رفت به جنگش. اما یک دسته‌ای که در ظاهر اظهار اسلام می کنند، در ظاهر برای اسلام دعوت می کنند، در ظاهر حرف اسلام می‌زنند، قلم‌های‌شان و قدم‌های‌شان برای اسلام است، لکن زیر پرده با اسلام مخالف‌اند. مخالفت با اسلام می کنند در زیر پرده. با اینها باید چه بکنیم؟ کار با اینها بسیار مشکل است.

صحیفه امام؛ ج۱۱؛ ص۲۳۳ | قم؛ ۲۳ آذر ۱۳۵۸

مقاله وارده

اقتصاد در میدان جنگ؛ نسخه‌های تعدیل یا راهبرد اقتصاد مقاومتی؟

دکتر حسن خلیل خلیلی

مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور و تأکید بر سه محور «ادامه خصوصی‌سازی»، «آزادسازی نرخ ارز» و «توزیع کالابرگ» این پرسش اساسی را پیش روی افکار عمومی قرار داد که آیا دولت، آگاهانه یا ناآگاهانه، در حال بازگشت به همان الگوی تعدیل اقتصادی دهه‌های گذشته است؟ الگویی که درباره نتایج آن هنوز هم اختلاف نظرهای جدی وجود دارد و حتی بسیاری از مدافعان آن نیز اذعان دارند که در ایران به دلیل ضعف نهادهای نظارتی و ساختاری، به اهداف اعلامی خود نرسید.

اقتصاد را نمی‌توان جدا از محیط سیاسی و امنیتی تحلیل کرد. امروز ایران در شرایط یک اقتصاد عادی قرار ندارد. تحریم‌های گسترده، جنگ اقتصادی، تهدیدهای امنیتی، محدودیت دسترسی به منابع ارزی، تورم مزمن، رشد پایین سرمایه‌گذاری و کاهش قدرت خرید مردم، واقعیت‌های انکارناپذیر اقتصاد کشور است. در چنین وضعیتی، پرسش اصلی این نیست که خصوصی‌سازی یا آزادسازی نرخ ارز در کتاب‌های اقتصاد چه جایگاهی دارند؛ پرسش این است که آیا این سیاست‌ها در شرایط کنونی ایران، با الزامات اقتصاد مقاومتی و امنیت ملی سازگار هستند یا خیر؟

خصوصی‌سازی زمانی می‌تواند موتور بهره‌وری باشد که در یک اقتصاد رقابتی، شفاف و قانونمند انجام شود. اما آیا تجربه ایران چنین بوده است؟ تجربه سه دهه گذشته نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، خصوصی‌سازی نه به تقویت بخش خصوصی واقعی انجامید و نه به افزایش رقابت. در موارد متعددی، دارایی‌های عمومی به مجموعه‌های شبه‌دولتی یا صاحبان نفوذ منتقل شد و نتیجه آن، نه افزایش بهره‌وری، بلکه تعطیلی برخی واحدهای تولیدی، مشکلات گسترده کارگری و شکل‌گیری پرونده‌های قضائی بود. اگر قرار است همین الگو ادامه یابد، چرا باید انتظار نتیجه‌ای متفاوت داشت؟ این همان هشداری است که اقتصاددان برجسته آمریکایی، داگلاس نورث مطرح می‌کرد؛ اینکه موفقیت سیاست‌های اقتصادی بیش از آنکه به خود سیاست وابسته باشد، به کیفیت نهادها وابسته است. وقتی نهادهای نظارتی، رقابتی و قضائی نتوانند اجرای صحیح سیاست را تضمین کنند، حتی سیاست‌های درست نیز ممکن است به نتایج نامطلوب بینجامند.

محور دوم، آزادسازی نرخ ارز است. تردیدی نیست که نظام چندنرخی ارز، زمینه‌ساز رانت و فساد بوده است؛ اما حذف رانت، تنها با آزادسازی قیمت ارز محقق نمی‌شود. در اقتصادی که تحت فشار تحریم است و عرضه ارز با محدودیت روبه‌روست، آزادسازی بدون فراهم شدن پیش‌نیازها می‌تواند به جهش قیمت‌ها، افزایش انتظارات تورمی و فشار بیشتر بر تولید منجر شود. در چنین شرایطی، آزادسازی ارز نه‌تنها رانت را از بین نمی‌برد، بلکه ممکن است رانت را از حوزه‌ای به حوزه دیگر منتقل کند.

تناقض اصلی اما در ضلع سوم این مثلث نهفته است؛ یعنی کالابرگ. اگر آزادسازی نرخ ارز و خصوصی‌سازی قرار است رفاه عمومی را افزایش دهد، چرا همزمان دولت بر گسترش کالابرگ تأکید می‌کند؟ پاسخ روشن است؛ زیرا خود سیاست‌گذار نیز می‌داند که اجرای این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت فشار معیشتی ایجاد می‌کند. کالابرگ در این‌جا نه نشانه موفقیت برنامه اقتصادی، بلکه ابزاری برای جبران بخشی از آثار اجتماعی آن است. این پرسش همچنان باقی است که آیا بهتر نیست به جای درمان پیامدها، از ابتدا سیاستی متناسب با شرایط اقتصاد جنگی انتخاب شود؟

نکته مهم آن است که اقتصاد مقاومتی هرگز به معنای مخالفت با اصلاحات اقتصادی نبوده است. اقتصاد مقاومتی بر مردمی‌سازی اقتصاد، افزایش تولید، کاهش وابستگی، شفافیت، عدالت و تاب‌آوری در برابر شوک‌های خارجی تأکید دارد. اما مردمی‌سازی اقتصاد با انتقال دارایی‌های عمومی به انحصارهای جدید تفاوت دارد؛ همان‌گونه که اصلاح نظام ارزی با رهاسازی اقتصاد در برابر شوک‌های ارزی یکسان نیست. دولت اگر قصد اصلاح اقتصاد را دارد، بهتر است به جای آغاز از آزادسازی قیمت‌ها، اصلاح را از اصلاح حکمرانی آغاز کند؛ از مبارزه مؤثر با فساد، شفاف‌سازی فرآیند واگذاری‌ها، اصلاح نظام بانکی، کاهش هزینه‌های غیرضرور دولت، تقویت تولید، حمایت از سرمایه‌گذاری مولد و ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری. در غیاب این اصلاحات، آزادسازی قیمت‌ها بیش از آنکه به اصلاح اقتصاد بینجامد، می‌تواند به انتقال هزینه‌ها به مردم منجر شود. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که حتی اقتصادهای بازارمحور، در دوره‌های جنگ و بحران، نقش دولت را کاهش نمی‌دهند، بلکه آن را در حوزه‌های راهبردی تقویت می‌کنند. امنیت غذائی، امنیت انرژی، امنیت دارویی و حمایت از صنایع حیاتی، در چنین شرایطی بر منطق بازار صرف تقدم پیدا می‌کند. این نه عقب‌نشینی از علم اقتصاد، بلکه تطبیق سیاست اقتصادی با واقعیت‌های امنیت ملی است. از همین رو، نگرانی امروز منتقدان، مخالفت با اصلاحات اقتصادی نیست؛ نگرانی آن است که مبادا بار دیگر نسخه‌ای آزموده شود که در فقدان شفافیت، نظارت و رقابت، نتیجه‌ای جز افزایش نابرابری، تضعیف تولید و کاهش اعتماد عمومی نداشته است. اقتصاد ایران بیش از آنکه به آزادسازی شتاب‌زده نیاز داشته باشد، به حکمرانی شفاف، دولت پاسخگو و اصلاح نهادی نیازمند است.

در میدان جنگ اقتصادی، مهم‌ترین سرمایه یک کشور، اعتماد مردم و توان تولید ملی است. هر سیاستی که این دو سرمایه را تقویت کند، در مسیر اقتصاد مقاومتی قرار دارد و هر سیاستی که بدون توجه به شرایط خاص کشور، هزینه‌های جدیدی بر تولید و معیشت مردم تحمیل کند، نیازمند بازنگری جدی است. امروز بیش از هر زمان دیگر، اقتصاد ایران به راهبردی متناسب با واقعیت‌های خود نیاز دارد، نه به تکرار نسخه‌هایی که موفقیت آنها در گرو پیش‌شرط‌هایی است که هنوز به طور کامل فراهم نشده‌اند.

یادداشت روز

ریاض در گرداب ائتلاف‌های بی‌حاصل

ادامه از صفحه ۲

۶- اما جمهوری اسلامی ایران، به عنوان قدرت بلامنازع منطقه‌ای، ضمن رصد دقیق این تحرکات بیهوده، راهبرد خود را بر پایه امنیت «درون‌زا» و البته با تلاش برای کاهش تنش با کشورهای ساحلی خلیج‌فارس تعریف می‌کند. چراکه تجربه تاریخی ثابت کرده که هرگونه حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و یا ائتلاف‌سازی‌های تصنعی با دخالت کشورهایی که منافع خاص خود را پیگیر می‌کنند، نه تنها به برقراری امنیت آن کشور یا منطقه نمی‌انجامد، بلکه «بذر ناامنی» را در این منطقه پرتلاطم می‌پاشاند. در این شرایط، پیام تهران به ریاض، آنکارا و اسلام‌آباد روشن است.اگر این توافق قرار است بهانه‌ای برای ماجراجویی علیه انصارالله یمن و یا تهدید منافع جبهه مقاومت باشد، پاسخ ایران نه در بیانیه‌های دیپلماتیک، که در «میدان» داده خواهد شد. ایران اسلامی در عین احترام به حسن همجواری و همسایگی، همواره به همسایگان خود هشدار داده است که از تجارب تلخ گذشته درس بگیرند و امنیت خود را به بازی‌های نمایشی و ائتلاف‌های پوشالی که طرف اصلی آنها آمریکایی است که در میدان جنگ از رزمندگان اسلام شکست خورده، گره نزنند. چراکه امنیت خلیج‌فارس، «میدان مشق نظامی» نیست که هر کشوری با گرایش‌های متضاد بیاید و برای خود «سازوکار دفاعی» ابداع کنند. این کشورها این واقعیت را باید در نظر داشته باشند که هرگونه تحرک علیه محور مقاومت، با واکنش قاطع مواجه خواهد شد. ایران به دنبال همسایگی قابل احترام است، اما در برابر توطئه‌های سازمان‌یافته، کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نخواهد داد.

با این نگاه باید گفت؛ پیمان مکه، سرابی بیش نیست. هرچند بانیان این «مثلث »، تلاش می‌کنند با چسب زخم ائتلاف، جراحت عمیق شکست‌های تصمیم گیران خود که سردمداران کاخ سفید هستند را پنهان کنند. اما این پیمان، نه تنها بازدارنده‌ای در برابر جبهه مقاومت از یمن گرفته تا عراق، لبنان و ایران نخواهد بود، بلکه تنها به رسوایی بیشتر آن‌ها منجر خواهد شد.

گزارش روز صد و شصت و سوم جنگ

ایرانی‌ها بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان را شکست دادند

سرنوشت جنگ در میانه ششمین ماه، کمترین شباهتی با اهداف آمریکا و اسرائیل از آغاز جنگ ندارد. ترامپ مدعی بود ایران ظرف سه روز زانو می‌زند و تسلیم می‌شود اما حالا اغلب تحلیلگران باور دارند که خود ترامپ به زانو درآمده و در مقابل اقتدار مشروع ایران، حرفی برای گفتن ندارد.

اکنون رسانه‌های آمریکایی از شرط‌گذاری ایران برای بازگشت به مذاکرات یا اجرای دوباره تفاهم‌نامه و بازگشایی ایران می‌گویند و روزنامه انگلیسی گاردین تأکید می‌کند: ترامپ که روانشناسی و روحیات ایرانیان را نمی‌شناخت، به ناامیدی و سردرگمی افتاده و واقعاً هیچ گزینه خوبی پیش رویش ندارد.

اعتراض به خالی‌بندی یک هفته قبل

بیش از یک هفته از خط و نشان کشیدن‌ها ترامپ و وعده‌های او مبنی بر توافق قریب‌الوقوع برای بازگشایی تنگه هرمز می‌گذرد اما هیچ خبری از این وعده نیست. به همین علت، مارگارت برنان، مجری معروف شبکه CBS News دیروز با لحنی انتقادی گفت: رئیس‌جمهور ترامپ روز سه‌شنبه گذشته گفت ظرف ۴۸ ساعت مشخص خواهد شد که درباره ایران چه اتفاقی در حال رخ دادن است. او روز چهارشنبه گفت: «نمی‌خواهم مردم کشته شوند» و «ما در حال گفت‌وگو هستیم.» روز جمعه نیز گفت می‌خواهد نشست وزارت خارجه با سرعت پیش برود، «چون ما یک جنگ در پیش داریم که باید آن را پیش ببریم.» در تمام طول هفته، احتمال دستیابی به توافقی میان عمان و ایران برای بازگشایی تنگه هرمز مطرح بوده است... اما هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. شما یک هفته وعده دستیابی به توافق با ایران را دادید، پس چه شد؟!

آمریکا شکست خورد
قادر به تکرار جنگ پر شدت نیست

جاناتان هکت افسر اطلاعاتی پیشین نیروی تفنگداران دریایی آمریکا با اذعان به شکست بی‌سابقه در جنگ علیه ایران گفت: ایالات متحده عملاً در مذاکرات در تنگنا قرار دارد و هم در عرصه عمومی و هم خصوصی، مواضع خود را مکرراً تغییر می‌دهد و قادر به تأمین شروط ایران نیست. چالش اصلی در این است که این جنگ، راه‌حل نظامی نخواهد داشت و تنها با راه‌حلی دیپلماتیک به پایان می‌رسد.

هکت اضافه کرد: اگرچه ایالات متحده ممکن است بخواهد جنگ را مجدداً آغاز کند، اما نمی‌تواند با همان ظرفیت‌هایی که پیش‌تر جنگ را شروع کرده بود، وارد عمل شود. به هیچ‌وجه، گزینه ورود زمینی مورد تأیید رئیس‌جمهور و مردم ایالات متحده نیست. ایران از ابتدای جنگ نشان داد که علاوه‌بر عرصه نظامی، یک عرصه اطلاعاتی نیز وجود دارد؛ ایران به خوبی آگاه است که مردم ایالات متحده، نقش تعیین‌کننده‌ای در این جنگ دارند. اقدامی که ایران در حال انجام آن است، طولانی‌تر کردن مذاکرات تا زمان انتخابات کنگره آمریکاست.

مهم، مهار تنگه توسط ایران است نه حرف‌های ترامپ

چیپ چپمن مدیر پیشین بخش استراتژی نظامی و ارزیابی در وزارت دفاع انگلیس، رفتار ترامپ را دیوانگی درمانده می‌نامد و می‌گوید: ادامه روند کنونی و تکرار تهدیدهای لغوشده علیه ایران، مصداق بارز همان دیوانگی است که یک کار را بارها تکرار کنید و انتظار نتیجه متفاوت داشته باشید. آمریکا نمی‌تواند ایران را وادار به تسلیم بکند و این افسانه که می‌توان فقط با ریختن مهمات از فاصله دور پیروز شد، حقیقت ندارد.

در همین حال، تحلیلگران ارشد آمریکایی در گفت‌وگو با روزنامه وال‌استریت ژورنال بر دست برتر ایران در جنگ تأکید کردند. جاناتان پانیکوف، افسر ارشد سابق اطلاعاتی آمریکا در این‌باره گفت: مهم نیست ترامپ چه کاری انجام دهد، نتیجه اساسی، کنترل قابل توجه و بالفعل ایران بر تنگه خواهد بود. همچنین رزماری کلانیک، مدیر برنامه خاورمیانه در Defense Priorities می‌گوید: ایرانی‌ها از نظر قدرت نظامی قابل استفاده، آمریکا را از خلیج‌فارس به طور مؤثر بیرون رانده‌اند. وقت آن رسیده که به حضور پایگاه‌های منطقه‌ای که یک باری بر دوش است- نه یک دارایی- پایان دهیم.

پیروزی آمریکا ممکن نیست
فکر فرار از شکست باشد

از سوی دیگر، نشریه تخصصی فارن افرز معتقد است که «دکترین پاول» بهترین چارچوب برای تصمیم‌گیری درباره خروج از جنگ ایران است. ناکامی‌های کارزار نظامی آمریکا در ایران عمدتاً ریشه در کنار گذاشتن اصول دکترین پاول از سوی دولت ترامپ دارد. تغییر مسیر واشنگتن می‌تواند به ترامپ کمک کند راهی برای خروج از برزخی طولانی بیابد که شیوه هدایت جنگ ایجاد کرده است. دکترین پاول بر هدف سیاسی روشن، حمایت عمومی، نیروی قاطع و برتر و راهبرد مشخص برای پایان جنگ تأکید دارد؛ اصولی که کالین پاول بر اساس تجربه جنگ ویتنام و جنگ خلیج‌فارس مطرح کرد.

دولت ترامپ بدون هدف نهائی روشن، وارد مسیری شده که خروج از آن دشوار است و معیار موفقیتش مشخص نیست. پیروزی آمریکا در جنگ با ایران بعید است؛ اما شکستی فاجعه‌بار هنوز اجتناب‌ناپذیر نیست. بازگشت به اصول دکترین پاول می‌تواند به واشنگتن در تعریف اهداف واقع‌بینانه، سنجش هزینه‌های جنگ و یافتن راه خروج پیش از تبدیل بحران به شکست کمک کند.

تنها راه‌حل، پذیرش خواسته‌های ایران است

دو اندیشمند ارشد آمریکایی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هم معتقدند که امکان ندارد واشنگتن در این جنگ پیروز شود. جان مرشایمر، استاد و نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل در این‌باره گفت: ترامپ به این نتیجه رسیده که امکان پیروزی در جنگ با ایران وجود ندارد و به همین دلیل، در مواجهه با پیامدهای این جنگ، سردرگم و دستپاچه عمل می‌کند.

همچنین، رابرت پیپ، استاد دانشگاه شیکاگو در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان، به چالش عظیم شناسایی و انهدام هزاران پهپاد ایران اشاره کرد و گفت: نیروهای هوائی و دریایی آمریکا نمی‌توانند تنگه هرمز را تا انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر باز کنند. این مشکل ناشی از برنامه عملیاتی است. نابودی هزاران پهپاد ایران خیلی دشوار است. تنها راه‌حل، پذیرش خواسته‌های سخت‌گیرانه ایران است و هیچ گزینه میانه‌ای وجود ندارد.

انداختن تقصیر به دوش دیگران

مایکل استیل، تحلیلگر شبکه MS NOW ازتشدید اختلافات در دولت دونالد ترامپ بر سر جنگ ایران و کمبود شدید مهمات خبر داد و گفت: این اختلافات، دولت را به مرحله‌ای تازه از مقصرسازی و یافتن «قربانی» برای ناکامی‌های جنگ کشانده است. هگزت وزیر جنگ به‌جای پذیرش مسئولیت، معاون خود را مقصر دانسته و مدعی شده است که او نتوانسته رئیس‌جمهور را در جریان وضعیت واقعی ذخایر مهمات قرار دهد. این در حالی است که گزارش‌های رسانه‌ها از افزایش نگرانی‌ها درباره کاهش ذخایر مهمات آمریکا در پی جنگ با ایران حکایت دارد.

شوک شکست بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان از ایران

از سوی دیگر، گلن دیسن، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و ژئوپلیتیک تأکید کرد ایران بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان را شکست داد؛ گاهی باید با نشان دادن آمادگی برای استفاده از زور، بازدارندگی را حفظ کرد، اما بلوف زدن بسیار خطرناک است؛ نمی‌خواهید وارد جنگ شوید و ثابت کنید که نمی‌توانید از متحدان خود دفاع کنید. اروپایی‌ها، آسیای شرقی‌ها و کشورهای خلیج‌فارس همگی امنیت خود را بر قدرتمند بودن کامل آمریکا شرط بسته‌اند، اما اکنون متوجه می‌شوند که آمریکا منابع نامحدود ندارد، برنامه‌ای هم ندارد و در حال شکست خوردن است. ایران ۹۳ میلیون نفر جمعیت دارد و یکی از قدرت‌های بزرگ نیست، اما آنها بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان را شکست دادند. این واقعیت جدید نه فقط برای خاورمیانه، بلکه برای جهان نیز شوک‌آور است و همه باید خود را با آن تطبیق دهند.

گزارش گاردین از نادانی عمیق رئیس‌جمهور آمریکا

«کارشناسان، ناآگاهی ترامپ از ماهیت ایران را عامل شکست در جنگ می‌دانند. تحلیل‌گران می‌گویند نادانی عمیق رئیس‌جمهور آمریکا نسبت به دشمنش منجر به چرخه‌ای ناتوان از تهدیدهای توخالی شده است».

این تحلیل را روزنامه گاردین منتشر کرد و نوشت: او در روند تکراری تهدید و عقب‌نشینی گرفتار شده؛ چرخه‌ای که ضمن تخلیه ذخایر موشکی آمریکا، به بن‌بست دیپلماتیک و تداوم انسداد تنگه هرمز انجامیده است.

موضوع تمسخر شدن شاید شدیدترین انزجار شناخته شده دونالد ترامپ باشد. با این حال، بیش از پنج ماه پس از آغاز جنگ علیه ایران، رئیس‌جمهور آمریکا در حالی که برای کسب پیروزی نظامی تلاش می‌کند، خطر تمسخر را به جان می‌خرد. در حالی که بارها تهدید به بمباران ویرانگر علیه رژیم تهران می‌کند، اما به بهانه مذاکرات عقب‌نشینی می‌کند. او از زمان آغاز جنگ، هفت بار همین تاکتیک را به کار برده است. آخر هفته گذشته شاهد آخرین رویداد بودیم، زمانی که ترامپ به خبرنگاران حاضر در هواپیمای ایر فورس وان گفت که ناگهان یک «حمله عظیم» را لغو کرده است.

ایران قصد دارد با درگیر نگه داشتن ترامپ در جنگ، در انتخابات میان دوره‌ای ضربه‌ای وارد کند. با وجود مذاکرات بین ایران و عمان، تاکنون توافقی حاصل نشده و آبراه استراتژیک هرمز همچنان بسته باقی مانده است.

با این همه عقب‌نشینی
شایسته جایزه صلح نوبل است(!)

گاردین افزود: این الگو شبیه به مواردی بود که در چندین موقعیت دیگر نیز رخ داده بود. از جمله تهدید ترامپ درآوریل که «تمدن ایران امشب خواهد مرد» و در آخرین لحظه عقب‌نشینی و با آتش‌بس موافقت کرد. او همچنین چندین بار ادعا کرده که آمریکا «تقریباً» جنگ را برده و ایران خواهان توافق است. این ادعاها به طور فزاینده‌ای باعث تمسخر می‌شوند. مفسر بریتانیایی، اندرو نیل، ادعاهای ترامپ را شایسته جایزه صلح نوبل دانست و با طعنه گفت: او در پنج ماه گذشته هشت بار صلح را به جنگ ایران آورده است. چه کار بیشتری باید بکنی تا شایسته جایزه صلح نوبل شوی؟!

تحلیلگران می‌گویند پیام‌های بسیار پیچیده‌ترامپ درباره جنگ، فقدان استراتژی و نادانی عمیق نسبت به دشمنش را نشان می‌دهد و تهدید به فاجعه انتخاباتی در انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا در نوامبر می‌کند.

ناتوانی رئیس‌جمهور آمریکا در درک افرادی که رهبری نظام ایران را بر عهده‌دارند، او را به بن بست تهدیدهای بی‌اثر و زیان بار کشانده است. یکی از وحشتناک‌ترین اشتباهاتی که ترامپ مرتکب شد، استفاده از این نوع زبان بود. نظام‌هایی که از طریق انقلاب‌هایی مانند انقلاب ۱۹۷۹ ایرانی به وجود می‌آیند، بسیار دشوارتر از سایر دولت‌ها سرنگون می‌شوند. این‌ها کسانی نیستند که زانو بزنند.

ناامید و فاقد گزینه

روزنامه گاردین معتقد است: اگر می‌خواهیم مقاومت و عملکرد ایران را درک کنیم، باید روان‌شناسی و تربیت این افراد را بهتر درک کنیم. ترامپ که چنین کاری را انجام نداده بود، به ناامیدی و سردرگمی، تنزل یافته است. پس از آنکه آتش‌بس و تفاهم‌نامه فروپاشید، او با خطاب کردن مقامات ایران به عنوان «آشغال» در نشست ماه ناتو در آنکارا، دیگر شرکت‌کنندگان را شوکه کرد و گفت که عصبانی است.

توضیح رویکرد ترامپ به صورت استراتژیک، غیرممکن است. مقامات ایران پس از فروپاشی آتش‌بس، موقعیت مذاکراتی خود را در تنگه هرمز تقویت کرده‌اند، در حالی که این موضوع بحث دردناکی را در واشنگتن درباره انتخاب‌های نظامی پس از حملات اخیر به یک پایگاه آمریکایی در اردن که منجر به کشته شدن سه پرسنل نظامی آمریکا شد، برانگیخته است. احتمال حمله مجدد علیه ایران به دلیل نگرانی‌ها درباره کاهش ذخایر موشکی و رهگیر آمریکا محدود است.

رویکرد ترامپ در نهایت به ناامیدی او برمی‌گردد که واقعاً هیچ گزینه نظامی خوبی پیش رویش ندارد. بخش زیادی از آن واکنش‌های احساسی است، مانند زمانی که او با ایران معامله‌ای می‌کند که حتی در میان جمهوری‌خواهان واکنش ایجاد می‌کند. این انتقاد او را آزار می‌دهد، بنابراین سعی می‌کند با بمباران ایران، شرایط بهتری بگیرد. اما وقتی در موقعیت بدتری قرار می‌گیرد، به میز مذاکره بازمی‌گردد. این جنگ بر اساس فرضیات نادرست زیادی آغاز شد که یادآور واضح این نکته است که نیمی از نبرد، درک دشمن است و واضح است که ترامپ و دولتش دشمن را درک نکرده‌اند.

اضطرار ترامپ درباره تنگه و شرط‌های ایران

ترامپ در حال بررسی اعلام پیروزی در جنگ ایران حتی بدون توافق هسته‌ای است. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت با انتشار این خبر که در روزنامه‌هایی مثل وال استریت ژورنال هم بازتاب داشته، می‌نویسد: ترامپ بر بازگشایی هرمز و کاهش فشار بر بازارهای جهانی انرژی تمرکز دارد. اما مذاکرات با ایران با مانع جدیدی روبه‌رو شده است؛ تهران خواستار امتیازات گسترده برای بازگشایی تنگه هرمز و بازگشت به مذاکرات هسته‌ای، از جمله غرامت‌های مالی و خروج نیروهای آمریکایی از منطقه شده است.

ترامپ به طور خصوصی با مشاوران ارشد یک احتمال دیگر را مطرح کرده است: پایان دادن به کمپین آمریکا حتی بدون توافق هسته‌ای جدید اگر ایران تنگه را به طور کامل بازگشایی کند. چنین نتیجه‌ای مسیر حیاتی برای تأمین انرژی جهانی را بازمی‌گرداند و می‌تواند قیمت سوخت را برای مصرف‌کنندگان آمریکایی کاهش دهد، که برای رئیس‌جمهور به یک ملاحظه روزافزون اهمیت پیدا می‌کند.

یک مقام کاخ سفید گفت که ایالات متحده قبلاً به اهداف نظامی دست یافته و عملیات‌هایش توانایی‌های نظامی و هسته‌ای ایران را به طور قابل توجهی کاهش داده است. اگرچه حملات مداوم ایران و اختلال در حمل‌ونقل دریایی از طریق هرمز، این ادعا را پیچیده کرده است. تمرکز فوری ترامپ اکنون بر تنگه است. در همین حال، ایران مجموعه‌ای از خواسته‌های گسترده را مطرح کرده است، از جمله پایان دائمی کمپین نظامی آمریکا، لغو تحریم‌ها و محاصره دریایی، خروج نیروهای آمریکایی و جبران مالی.

آمریکا برای بازگشایی تنگه باید تمکین کند

از طرف دیگر روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد: شرایط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز، چشم‌انداز توافق برای بازگشایی تنگه را پیچیده کرده است. محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، بازگشایی تنگه هرمز را به پذیرش خواسته‌های ایران از سوی آمریکا مشروط کرد. ایران لغو محاصره دریایی و تحریم‌های آمریکا، پرداخت غرامت جنگی، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده و توقف تهدیدها علیه ایران را شرایط اصلی بازگشایی تنگه هرمز قرار داده است. فهرست شروط جدید ایران این انتظار را که توافق با عمان بتواند به‌زودی عبور و مرور تجاری از تنگه را از سر بگیرد، برهم زده است. ایران پیشتر هشدار داده بود که مذاکره با عمان شرط کافی برای بازگشایی تنگه هرمز نیست و وضعیت کنونی را نتیجه نقض تفاهم از سوی آمریکا دانسته است.

خواسته‌هایی که ایرانی‌ها مطرح کرده‌اند عبارتند از: ۱. رفع محاصره دریایی ۲. لغو تحریم‌ها علیه ایران ۳. عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از اطراف ایران ۴. پرداخت خسارت‌های جنگی ۵. آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران ۶. توقف حملات علیه متحدان منطقه‌ای ایران و پایان دادن به تهدیدها علیه این کشور. راز زیمت، کارشناس ایران در «مؤسسه مطالعات امنیت ملی» اسرائیل می‌گوید: حتی اگر ایران و عمان بر سر جزئیات مربوط توافق برسند، روشن است که تهران بدون بازگشت آمریکا به تعهدات خود در چارچوب تفاهم‌نامه، از جمله لغو محاصره دریایی و ازسرگیری روند کاهش تحریم‌ها، با اجرای آن موافقت نخواهد کرد.

آمریکا به دلایل راهبردی قادر به ادامه جنگ نیست

وبسایت کلش ریپورت در ارزیابی روند جنگ تأکید کرد که طولانی شدن آن، بازدارندگی آمریکا را تضعیف می‌کند: درگیری فرسایشی با ایران، ذخایر موشکی آمریکا را به شدت تخلیه کرده است. عملیات نظامی طولانی علیه ایران قدرت آتش آمریکا را در سراسر اروپا و آسیا تضعیف می‌کند و پنجره‌ای استراتژیک ایجاد می‌کند که به نفع روسیه و چین است، زیرا ذخایر موشکی آمریکا با تأخیر چندساله تأمین مجدد مواجه‌اند.

تحلیلگران نظامی هشدار می‌دهند که درگیری طولانی با ایران توازن قدرت جهانی را تغییر داده است. مصرف سریع مهمات حیاتی در خاورمیانه واشنگتن را مجبور کرده تا منابع تخصصی خود را از آسیا و اروپا تخصیص دهد که منجر به کاهش قابل توجه قدرت آتش آمریکا در این مناطق شده است. مقیاس مصرف مهمات نشان‌دهنده کاهش شدید بازدارندگی متعارف است که سال‌ها طول می‌کشد تا بازسازی شود.

عملیات بمباران و عملیات دفاع هوائی در خاورمیانه هزاران موشک پیشرفته و پرهزینه را مصرف کرده که به زنجیره‌های تأمین پیچیده جهانی وابسته‌اند. فشار بر موجودی هواپیماهای رهگیر باعث شده است که ایالات متحده ارسال موشک‌های برنامه‌ریزی شده به شرکای خود در اروپا و آسیا را به تأخیر بیندازد. جایگزینی بیش از ۱۵۰۰ موشک رهگیر پاتریوت استفاده شده در این کمپین ممکن است بیش از دو سال طول بکشد، در حالی که موجودی‌های ملی فعلی کمتر از ۱۷۰۰ واحد است. تاد هریسون، تحلیلگر دفاعی در مؤسسه اینترپرایز گفت: هرچه جنگ طولانی‌تر شود و ما بیشتر با ایران تبادل آتش کنیم، مشکل مهمات برای ایالات متحده بدتر می‌شود و این پنجره آسیب‌پذیری بزرگ‌تر و آشکارتر می‌گردد.

حجت‌الاسلام رضایی:

جهاد تبیین، سدی در برابر تحریف واقعه عاشوراست

مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان بسیج مستضعفین جهاد تبیین را یکی از عوامل ماندگاری قیام عاشورا معرفی کرد و گفت: اگر خطبه‌های غرّای امام سجاد(ع) و سخنرانی‌های بیدارگرانه حضرت زینب (س) نبود، کربلا در کربلا می‌ماند. این بازماندگان واقعه عاشورا با روایت‌های دقیق و قاطع خود، مانع تحریف تاریخ شدند و حقانیت قیام را برای همیشه آشکار ساختند تا جایی که هیچ روایت جعلی نتوانست در این حماسه بزرگ خدشه وارد کند.

حجت‌الاسلام علی رضایی، مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین در آیین تکریم و معارفه معاونین این نمایندگی با اشاره به فرارسیدن ایام اربعین حسینی، به تبیین رمزهای جاودانگی قیام امام حسین(ع) پرداخت.

حجت‌الاسلام رضایی با طرح این پرسش که چرا پس از گذشت بیش از هزار سال، نام و قیام امام حسین(ع) همچنان پرآوازه و پایدار است، خاطرنشان کرد: رمز نخست در خالصانه‌بودن این قیام برای خداوند متعال نهفته است؛ چرا که هر عملی که برای خدا و با عیار بالای توکل و رضایت الهی انجام شود، خداوند جاودانگی را روزی آن می‌کند.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین، دومین عامل پایداری نام و قیام امام حسین(ع) را تحقق اهداف آن حضرت در احیای سیره نبوی و حفظ اسلام دانست.

وی تصریح کرد: خداوند با ابزارهای خود، حق را یاری می‌کند؛ مشروط بر آنکه انسان‌ها به وظیفه خود عمل کنند؛ یاران سیدالشهدا(ع) در کربلا با نهایت ادب در پیشگاه خداوند، هزینه دادند و نصرت الهی شامل حال‌شان شد.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام رضایی جهاد تبیین را عامل سوم ماندگاری قیام عاشورا معرفی کرد و گفت: اگر خطبه‌های غرّای امام سجاد(ع) و سخنرانی‌های بیدارگرانه حضرت زینب (س) نبود، کربلا در کربلا می‌ماند. این بازماندگان واقعه عاشورا با روایت‌های دقیق و قاطع خود، مانع تحریف تاریخ شدند و حقانیت قیام را برای همیشه آشکار ساختند تا جایی که هیچ روایت جعلی نتوانست در این حماسه بزرگ خدشه وارد کند.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین در ادامه سفارش‌های مؤکد ائمه معصومین(ع) بر عزاداری، زیارت اربعین و توسل به تربت سیدالشهدا(ع) را عامل دیگری برای این ماندگاری دانست و خاطرنشان کرد: بخش عمده‌ای از مراسم و آیین‌های حسینی، برگرفته از سفارش‌های اهل بیت(ع) است که نقشی بی‌بدیل در جلوه‌گری نام آن حضرت داشته است.

وی پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی را از دیگر رمزهای ماندگاری جبهه حق برشمرد و با اشاره به جنایات اخیر دشمنان نظیر حمله به مدرسه شجره طیبه میناب، تصریح کرد: دشمنان امروز که ادامه‌دهنده راه یزیدیان هستند، با به‌کارگیری سلاح‌های ممنوعه و بی‌توجهی به همه موازین انسانی، در پی جدایی مردم عزیز ایران از انقلاب اسلامی بودند، اما این اقدامات آنها نه‌تنها با موفقیت همراه نبود، بلکه وفاداری و علاقه ملت را به نظام و انقلاب دوچندان ساخت.

حجت‌الاسلام رضایی خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران که راه خود را از پیام عاشورا گرفته، تاکنون بیش از ۴۷ سال مدافع حریم اسلام و نهضت حسینی بوده و امیدواریم با هدایت‌های مقام معظم رهبری، این پرچم به دست صاحب اصلی آن، امام زمان (عج) سپرده شود.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین در پایان از زحمات معاونین سابق و پیشکسوتان حوزه نمایندگی ولی فقیه تقدیر و تشکر کر